

از دل شاهنامه تاقلب تهران
 روایت ایران تازه آغاز شده

از قلب تاریخ تا میدان روایت

در روزگاری که جنگ‌ها

با موشک، مین و بمب آغاز می‌شوند اما با

تصویر و روایت به پایان

می‌رسند، ملت‌هایی

پیروزند که نه‌تنها

جسورانه می‌جنگند، بلکه غیورانه روایت می‌کنند. روایت، همان میدان مغفولی است که ما ایرانی‌ها، قرن‌ها در آن حضور داشتیم اما کمتر از آن بهره

گرفتیم.

جهان رسانه‌ای امروز، حقیقت را بر اساس روایت می‌سازد، نه صرفاً بر اساس واقعیت. دشمن، روایت خودش را دارد؛ ملت ایران را ملتی ترسیده، دمدمی، غیرعقلانی و شکست‌خورده معرفی می‌کند؛ نه چون مستند دارد، چون تریبون دارد. ما با همه شکوه تاریخی‌مان، گاه اقتدر در گیر جنگ‌های میدانی شده‌ایم که میدان روایت را رها کرده‌ایم و دشمن، دقیقاً همین‌جا ایستاده؛ با تمام قوا.

■ **چطور تصویری از ما ساختند که نبودیم؟**

استعمار نو همیشه پیش از تجاوز، تصویرسازی می‌کند. یک ملت را اول در چشم جهانیان بی‌هویت می‌کند، بعد وارد خاکش می‌شود. نگاه کنید به شرق‌شناسانی چون «ادوارد براون» که از ایران «کشوری دل‌مرده و فتودالی» ساختند یا روایت رسانه‌های غربی که ما را با در قالی و قلیان نشان داده‌اند یا در ترافیک و ترس.

این تصویر تحریف‌شده، فقط برای خنده نبود؛ برای خنثی‌سازی قدرت تمدنی ایران بود. همین تصویرسازی بود که استعمار را در قرارداد ترک‌مانچای و ۱۹۱۹ جسور کرد، که کودتای ۲۸ مرداد را ممکن کرد، که تحریم‌های ظالمانه را به‌ظاهر موجه جلوه داد. این تصویر، همان‌قدر خطرناک است که سلاح دشمن.

■ **ملت ایران واقعاً چه‌جور ملتی است؟**

واقعیت این است: ما ملتی هستیم که وقتی تاتار آمد، نه تنها زنده ماندیم، بلکه آنها را هضم کردیم. ما همان ملتی هستیم که در کنار فتوای میرزای شیرازی، یک امپراتوری را زمین‌گیر کردیم. ما در مشروطه، جنگل، قیام مسجد گوهرشاد و در خرداد ۴۲، ایستادیم، در ۸ سال دفاع‌مقدس، بدون داشتن تجهیزات مدرن نظامی، دشمن را عقب راندیم. امروز هم همان ملتیم که در جنگ ۱۲ روزه اخیر، زیر آتش سنگین آمریکا و رژیم صهیونیستی، نه‌تنها با پناهنشتم، بلکه با صلابت، روایت، صبر راهبردی و ضربات دقیق مقاومت، اراده دشمن را درهم‌شکستیم و اقق‌های تازه‌ای از بازدارندگی و وحدت گشودیم.

در غفل از ایمان است، در همان فرهنگی که فردوسی در شاهنامه‌اش «مرگ باعزت» را بر «زندگی باذلّت» ترجیح داد، در همان فقه سیاسی‌ای که فتوای دفاع داد، نه ترس. امروز هم همین ملت است که پای تحریم، ترور، جنگ ادراکی و تهاجم رسانه‌ای ایستاده بی‌آنکه خم شود یا به زانو در آید.

قرآن وقتی از قوم طالوت حرف می‌زند، می‌گوید: «کم من فتنه قلیله غلبت فنه کثیره بآذن الله»، یعنی ملاک پیروزی، عُد نیست؛ ایمان، فهم و استقامت است. این فرمول، دقیقاً در ملت ایران دیده می‌شود.

ایستادگی کنونی ملت ایران، نشان‌دهنده تاب‌آوری تمدنی و درک راهبردی از مفهوم مقاومت است؛ ترکیبی که تنها در ملتی ریشه‌دار، مؤمن و صاحب تجربه‌های انباشته قابل بروز است.

■ **روایت‌سازی بی‌وقفه دشمن**

دشمن ما روایت می‌سازد؛ نه از سر بیکاری، از سر ضرورت استراتژیک. روایت می‌سازد چون می‌داند کسی که روایت می‌سازد، ذهن‌ها را فتح می‌کند. دشمن هیچ‌گاه به دنبال بازنمایی حقیقت نبوده و نیست؛ آنچه برایش مهم است، این است: «چه چیزی باید بیشتر دیده شود».

از Argo تا Tehran. از مستندهای بی‌بی‌سی تا تحریف تاریخ در کتاب‌های درسی غربی، آنها در حال بازنویسی ما هستند؛ بی‌آنکه

ما قلم به دست گرفته باشیم.

■ **چه باید کرد؟**

رهبری بارها گفته‌اند «جهاد تبیین یعنی بازسازی روایت درست از ملت ایران» در برابر تحریف دشمن. این یعنی هرکس صدایی دارد، باید تصویر ملتش را بازتاب دهد؛ نه از سر شعار، بلکه از سر واقعیت.

ما یک زنجیره مقاومت داریم که باید روشن‌ش، پیوسته و معتبر بیان شود. از قیام رئیسعلی دلواری تا خطبه‌های شهید مدرس، از مرامنامه میرزا کوچک‌خان تا سبک مدیریت حاج‌قاسم. اینها تنها مقاطع جدا از هم نیستند، خطوط ممتد روایت یک ملتند که تصمیم گرفته سرش را خم نکند. روایت ما اگر گفته نشود، یا به‌جای‌مان نوشته می‌شود، یا از حافظه‌ها پاک می‌شود. نسل امروز، حق دارد بداند وارث تمدنی است که شکست نخورده، تسلیم نشده و هویتش را نفرخته است. این را باید برایش نوشت؛ نه فقط در کتاب، بلکه در مستند و ویدئو، در شعر و نمایش، در جای جای فضای مجازی، در شبکه‌های اجتماعی و روایت، تنها ابزار باقیمانده دفاع فرهنگی ماست؛ ابزار برتری ما. اگر ندانیم در کجای تاریخ ایستاده‌ایم، در آینده هم جایی نخواهیم داشت.



درباره ایستادگی تاریخی ملت ایران در برابر دشمن متجاوز

ایران، قامت استوار تاریخ

انقلاب دشمن برای ما صرفاً آرتشی در مرز نیست، بازتاب تاریکی در آیینه روشن ماست. به همین سبب است که ایرانی، وقتی با تهاجم مواجه می‌شود، تنها به ابزار نظامی نمی‌اندیشد، بلکه «عنای دفاع» را بازتعریف می‌کند. او در دل تهدید، فرصت کشف می‌کند و در هر زخم، عهدی با تاریخ می‌بندد.

در این سرزمین، مرجعیت دینی هیچ‌گاه پشت دیوار مسجد محصور نمانده است.از فتوای میرزای بزرگ علیه‌استعمار تنباکو، از قیام مدرس و کاشانی در برابر استبداد و بیگانه تارهریری پرصلاّت ولایت فقیه، همواره علم و ایمان در هم تنیده‌اند تا وجدان تاریخی ملت را بیدار نگه دارند و این، همان سنتی است که امروز هم استمرار دارد.نسبت دیانت و هویت ملی، نه تزئینی است و نه مصلحتی، بلکه جوهره بقااست.

منطق ایستادگی امروز ایرانیان نیز وامدار همین درک است. آنان دشمن را تنها در خارج از مرز نمی‌جویند، بلکه در هر تحرینی، در هر تصویر ناقص از خود، در هر بایگوت اندیشه‌ای که حقیقت‌ملت را نمی‌بیند،نشانه‌های دشمن را بازمی‌شناسند. آنان فهمیده‌اند روایت از خود، نه‌فقط سلاح نرم که بخشی از هویت تاریخی ماست. از همین رو است که حتی در جنگ‌های تمام‌عیار رسانه‌ای، ایران باز هم ایستاده است؛ با قامت کلمه، با تیغ معنا، با روایت روشن.

ایران در اندیشه رهبر انقلاب

سنگر امت، تجلی هویت

در چارچوب این منظومه فکری، نقش مردم ایران نه تماشاچی، بلکه پیش‌برنده است. مردم ایران، «ملت امام حسین»‌اند؛ مردمی که در بزنگاه‌ها، میان «سکوت» و «قیام»، دومی را برمی‌گزینند.رهبری بارها بر همین ویژگی تکیه کرده‌اند و آن را وجه تمایز ایران با سایر کشورهای منطقه دانسته‌اند.از این رو، در اندیشه ایشان، تاب‌آوری ملی ریشه در ۳ عنصر هویت دینی، تجربه تاریخی و شعور اجتماعی دارد و ایران، از ترکیب این سه، به «کانون مقاومت» بدل شده است.

این درک تمدنی از ایران، مستقیماً به سیاست خارجی، امنیت منطقه‌ای و حتی مفهوم استقلال پیوند خورده است. ایشان در سال‌های اخیر بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که ایران، در خط مقدم رویارویی با پروژه آمریکایی‌سازی جهان ایستاده است.از نگاه ایشان، آنچه امروز در یمن، لبنان، فلسطین و حتی آمریکای لاتین می‌گذرد، بدون فهم نقش ایران در شکل‌دهی به گفتمان مقاومت، قابل تحلیل نیست.

اما نکته درخو توجه، آن است که این فهم از «ایران» هرگز به نژادپرستی یا شوونیسم ختم نمی‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای همواره بر جهان‌شمولی این الگو تأکید کرده‌اند. برای مثال، در دیدار با جوانان لبنانی، صراحتاً فرمودند «شما در خط مقدم جهاد هستید و ایران پشت سر شما ایستاده است». به عبارت دیگر، در نگاه ایشان، ایران باید الگویی باشد برای مقاومت، نه اربیای برای آن؛ سنگری برای مظلومان، نه مرکز سلطه برای آنها.

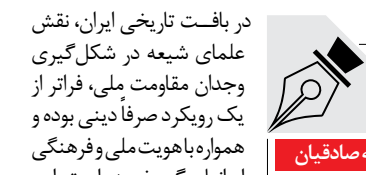
همین اندیشه است که مساله «دفاع از ایران» را به مفهومی چندلایه و بلندمند تبدیل می‌کند؛ دفاعی که هم در حوزه سخت (امنیت نظامی، اقتصاد مقاومتی و تحریم‌زدایی) و هم در حوزه نرم (روایت‌سازی، هویت‌سازی و تولید معنا) مفهوم دارد. در این میدان، رسانه، تاریخ، ادبیات، خانواده، مسجد و حتی سبک زندگی، ابزارهای دفاع هستند و رهبری به‌روشنی بارها هشدار داده‌اند که اگر این میدان رها شود، میدان نظامی نیز بی‌زود دستخوش بحران خواهد شد. لذا آنچه از اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان آموخت، الگویی زنده و پویاست برای تحلیل نسبت ایران با دشمن؛ ایرانی که نه در لاک انفعال فرو می‌رود، نه گرفتار خیال‌بافی می‌شود، بلکه با عقلانیت دینی، صبر راهبردی و ایمان و آینده، در مسیر ساختن تمدنی نوین قدم برداشته است.

مرجعیت شیعه وحراست از میهن

ایران علم و غیرت

در دوران نهضت ملی‌شدن نفت، برخی روشنفکران، در تقابل با سنت مذهبی قرار گرفتند اما در همان ایام نیز علما در سطوح مختلف، حامی استقلال بودند. امام خمینی(ره) بعدها در بیانی دقیق، ضمن دفاع از ملی‌شدن نفت، هشدار دادند استقلال بدون ایمان، به وابستگی‌ای دیگر خواهد بود.واقعیت این است که هر دو جریان فکری، دفعغه حفظ دین و کشور را داشتند؛ یکی با تأکید بر تقنین اسلامی، دیگری با تمرکز بر ساختار پاسخگو.

جایگاه ویژه مرجعیت در دفاع از میهن را شاید بهتر از همه بتوان در موضع‌گیری آیت‌الله‌العظمی بروجردی دید. او با آنکه اهل ورود مستقیم به مسائل سیاسی نبود، در برابر نفوذ ایدئولوژیک شوروری ایستاد و به صراحت هشدار داد «کمونیسم با عقیده مردم ما بیگانه است».همین هوشیاری فکری و عقیدتی باعث شد بدنه حوزه و جامعه مذهبی در برابر موج الحاد از خود ایمنی نشان دهد. پس از او، شاگرد برجسته‌اش، امام خمینی(ره) با تلفیق بین استقلال سیاسی، حاکمیت مردمی و مرجعیت دینی، راه تازه‌ای برای دفاع از ایران گشودند.



در بافت تاریخی ایران، نقش علمی شیعه در شکل‌گیری وجدان مقاومت ملی، فراتر از یک رویکرد صرفاً دینی بوده و همواره با هویت ملی و فرهنگی ایرانیان گره خورده است. این پیوند عمیق، ریشه‌های تاب‌آوری ایرانیان در برابر تهاجمات خارجی را تشکیل می‌دهد و از سیدجمال‌الدین اسدآبادی تا امروز، خط مشی مقاومت را تعیین کرده است.

■ **اسدآبادی و پایه‌گذاری نظری مقاومت**

سیدجمال‌الدین اسدآبادی با تعریف عمیق خود از استعمار، چارچوب تحلیلی ماندگاری ارائه داد: «بن استعمار که از نظر لغت به معنی آید کردن است، از لحاظ معنی حقیقی و اصیل به عقیده من از اسما اصداد است، زیرا این استعمار یعنی استبعاد و بنده و برده ساختن آزادگان و خاصه استعمار به معنی تخریب نزدیک‌تر است تا تعجیر و عمران».این نگاه انتقادی، بنیان تحلیل علمی شیعه از دشمن خارجی را شکل داد و نشان داد مقاومت، تنها در برابر اشغال نظامی نیست، بلکه در برابر هر نوع سلطه‌جویی تمدنی و فرهنگی نیز ضروری است.

علمای شیعه با درک عمیق این واقعیت که «ولت‌های مقتدر سقوط نکردند مگر با دخالت بیگانگان»، همواره بر ضرورت هوشیاری ملی تأکید کرده‌اند. این درک، پایه نظری مقاومت ایرانی در برابر نفوذ استعماری را تشکیل داد.

■ **نقش تاریخی مرجعیت دینی**

در بزنگاه‌های حساس تاریخ ایران، علمای شیعه نقش‌ی کلیدی در بسیج ملی ایفا کرده‌اند. از مقاومت در برابر قراردادهای ننگین مانند رژی و تنباکو تا مشارکت در جنگ‌های ایران و روس، مرجعیت دینی همواره در خط مقدم دفاع از استقلال ملی قرار گرفته است. این نقش آفرینی، نشان‌دهنده فهم عمیق علما از پیوند میان هویت دینی و ملی است.

اسدآبادی با بیانی شاعرانه این حقیقت را بیان می‌کرد: «هنگامی که نور معرفت در ملتی درخشدن‌گی داشت، نخستین کارش به وجود آوردن نهضت آزادی و راه‌ای از قیود زنجیرهاست». این نگاه، اساس فهم شیعی از رابطه دین و مقاومت را نشان می‌دهد.

■ **مؤلفه‌های مقاومت در اندیشه شیعی**

سیدجمال‌الدین اسدآبادی۲محور اساسی برای مقاومت

تاریخی، تجربه معنوی و وفاداری به خویشتن، فرهنگ مقاومت در ایران، نه یک انتخاب سیاسی، بلکه ذات تمدنی است. هر که از بیرون نظاره کند، درمی‌یابد این ملت از زهدان مادر با مرثیه عاشورا بزرگ شده، با شاهنامه به سربلندی اندیشیده و با قرآن با حکمت مسلح شده است. از همین رو است که در هنگامه‌های آزمون، سر تسلیم فرود نمی‌آورد، چرا که به قول رهبرش، «ملت ایران، یک ملت حماسه‌ساز است».

ایران در بزنگاه‌ها همواره کنشگر بوده است، چون بر خلاف بسیاری از ملت‌ها، تاریخ را نه باری بر دوش، بلکه مسؤولیتی بر دوش خود دانسته است و تا این «احساس مسؤولیت تاریخی» زنده است، هیچ دشمنی، نه با سلاح و نه با رسانه، نخواهد توانست این ملت را از جا برکند.

و امروز، بیش از همیشه باید این حقیقت را به یاد آورد: هزینه استقلال، اگرچه سنگین است اما از هزینه وابستگی بسیار کمتر است و همین کافی است بدانیم تا زمانی که این ملت به ایمان خود وفادار است، دشمن هیچ‌گاه بر او چیره نخواهد شد. ایران، چون سرو ایستاده است و این ایستادگی، نه از جنس لجاجت، بلکه از گوهر فهم تاریخی، دین‌باوری و غیرت ملی است. دشمن اگر هزار بار دیگر نیز بیازماید، باز هم خواهد دید «ایران اسلامی به توفیق الهی روز به روز قوی‌تر خواهد شد باذن‌الله».

علمای شیعه در مکتب مقاومت

از اسدآبادی تا امروز

مؤثر تعریف کرد:

نفکست، اصلاح درونی و تقویت بنیان‌های اجتماعی، اسدآبادی معتقد بود «تا شکل زندگانی سیاسی در ممالک اسلامی تغییر نیابد و حکومت مشروطه جای حکومت استبدادی را نگیرد، نجات بر مسلمانان میسر نیست». این رویکرد، ضرورت اصلاح ساختاری و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها را برجسته می‌کند.

دوم، نهضت آموزش و آگاهی. اسدآبادی بر این باور بود چهل و نادانی بزرگ‌ترین آسیب‌پذیری ملت در برابر دشمن خارجی است. بنابراین گسترش دانش و آگاهی عمومی را شرط لازم هر مقاومت مؤثر می‌دانست.

سوم، حفظ وحدت ملی و مذهبی. اسدآبادی بر وحدت اسلامی تأکید ویژه‌ای داشت و آن را کلید مقاومت در برابر استعمار می‌دانست. او درک کرده بود تفرقه، بزرگ‌ترین آسیب‌پذیری جوامع اسلامی در برابر نفوذ خارجی است.

■ **از نظریه تا عمل: تجربه انقلاب اسلامی و چالش‌های معاصر**

انقلاب اسلامی ایران عملاً بسیاری از نظریه‌های اسدآبادی درباره نقش دین در مقاومت و تحول اجتماعی را تأیید کرد. اسدآبادی می‌گفت: «دین مطلقاً سلسله تقویت هیات اجتماعی است و بدون دین هرگز اساس مدنیت محکم نخواهد شد».این تجربه تاریخی نشان داد دین نه‌تنها می‌تواند عامل بسیج ملی باشد، بلکه قادر است جامعه را برای مقاومت در برابر سلطه متحد کند.

امروز ایران با همسان چالش‌هایی مواجه است که اسدآبادی پیش‌بینی کرده بود: تحریم‌های اقتصادی به عنوان شکل جدید استعمار، جنگ رسانه‌ای و تفرقه‌افکنی داخل، در برابر این چالش‌ها، راهکارهای علمای شیعه از جمله سیدجمال‌الدین اسدآبادی همچنان کارآمد است: تقویت دینش و آگاهی عمومی، حفظ وحدت ملی و دستیابی به استقلال اقتصادی و فرهنگی.

■ **جمع‌بندی**

نقش علمیای شیعه در تاریخ ایران، فراتر از رهبری دینی، شامل تعریف چارچوب مقاومت ملی و فرهنگی بوده است. این سنت، از اسدآبادی تا امروز، راهنمای عمل برای مواجهه با چالش‌های داخلی و خارجی محسوب می‌شود و ریشه‌های عمیق تاب‌آوری ملت ایران را تشکیل می‌دهد. ترکیب هویت دینی و ملی در این سنت، الگویی منحصر‌به‌فرد از مقاومت تمدنی ارائه می‌دهد که امروز نیز قابل اتکا و کارآمد است.

ما باید تاریخ خود را از نو بنویسیم. باید نشان دهیم در میدان‌های مقاومت، نه‌تنها سرداران نظامی، بلکه عالمان دینی نیز سینه سپر کرده‌اند. باید به نسل جوان بگوییم این ایران، تنها با شمشیر پاسداری نشده، بلکه با قلم فقه و خطبه جمعه و اشک محراب نیز حراست شده است. این همان روایتی است که هم ایرانی است، هم اسلامی؛ هم عقلانی است، هم عاطفی؛ هم تاریخی است، هم تمدنی. روایت مرجعیت شیعه در دفاع از ایران، روایتی است که اگر امروز با صدایی رسا بازگو نشود، فردا با صدایی تحریف‌شده شنیده خواهد شد.